

مہجوریت قرآن کریم

مصطفی حاتمی

چکیده

مسئله تحریف و مہجوریت قرآن کریم از مسائلی است که ہم در قرآن کریم بدان اشارہ شدہ و ہم در لسان روایات اہل بیت علیہم السلام وجود دارد؛ در این مقالہ بہ این موضوع می پردازیم و عوامل مہجوریت قرآن کریم را بررسی کنیم؛ اعم از عوامل بیرونی (دشمنی دشمنان قرآن کریم) و عوامل درونی (کم توجہی مسلمانان).

کلید واژه

مہجوریت، قرآن، عوامل، راہکارها

مقدمہ

مسئله تحریف و مہجوریت قرآن کریم جزء مسائلی است کہ ائمہ اطہار علیہم السلام درباره آن هشدار دادہ اند. امیر مؤمنان علیہ السلام اوضاع بعد از خود را چنین بیان مینمایند: «**أَنَّهُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي زَمَانٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ أَخْفَى مِنَ الْحَقِّ وَلَا أَظْهَرَ مِنَ الْبَاطِلِ ... لَيْسَ عِنْدَ أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ سِلْعَةٌ أَبْوَرُ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تَلَّى حَقٌّ تِلَاوَتَهُ، وَلَا انْقَافَ مِنْهُ إِذْ أَحْرَفَ عَنِ مَوَاضِعِهِ وَلَا فِي الْبِلَادِ شَيْءٌ أَنْكَرَ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَلَا اعْرِفَ مِنَ الْمُنْكَرِ؛ فَقَدْ نَبَذَ الْكِتَابَ حَمَلَتُهُ وَتَنَاسَاهُ حَفَظَتُهُ، فَالْكِتَابُ يَوْمَئِذٍ وَأَهْلُهُ طَرِيدَانِ مَنَفِيَّانِ ... وَ مِنْ قَبْلُ مَا مَثَلُوا بِالصَّالِحِينَ كُلِّ مُثَلٍّ بِهِ زُودِي مِنْ زَمَانِي بِرِ شَمَا بَيَّابِدٍ كَمَا فِي هَيْجٍ** چیزی ناپیدتر از حق و پیدتر از باطل وجود ندارد در میان مردم آن روزگار کالایی برونق تر از کتاب خدا [آن گاه کہ بہ درستی و چنانکہ حق آن است تلاوت شود]، وجود ندارد و ہر گاہ معانی آن تحریف شود، متاعی پر رونق از آن نیست در شہرها چیزی ناپسندتر از کار نیک و پسندیدہتر از کار زشت وجود ندارد؛ زیرا قرآن دان [و عالمان دینی] آن را بہ کناری افکندہ، حافظانش، آن را بہ دست فراموشی سپردند. در آن روزگار، قرآن و اہل آن مطرود ہستند و در پس آن زمان، انواع سختیها و شکنجہ در حق درستکاران اعمال میشود.»

قرآن کریم نیز از زبان پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ این موضوع را بیان می دارد و می فرماید:

«**وَقَالَ الرَّسُولُ يَرْبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورَةً**؛^۱» و رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ می فرماید: ای پروردار من! همانا قوم و امت من این قرآن را مہجور گذاشتہ اند.»

تعریف مہجوریت قرآن

امام جواد علیہ السلام می فرماید: «**وَكُلُّ أُمَّةٍ قَدْ رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ عِلْمَ الْكِتَابِ حِينَ تَبْذُوهُ وَلَا هُمْ عَدُوُّهُمْ حِينَ تَوَلَّوْهُ وَكَانَ مِنْ نَبَذِهِمُ الْكِتَابَ أَنْ أَقَامُوا حُرُوفَهُ وَحَرَفُوا خُذُودَهُ فَهُمْ يَرُوءُونَهُ وَلَا يَرَعُونَهُ وَالْجَهَالُ يَعْجِبُهُمْ حِفْظُهُمْ وَلِلْعُلَمَاءِ يَحْزَنُهُمْ تَرْكُهُمْ لِلرَّعَايَةِ**»^۲ ہر امتی، آن گاہ کہ کتاب آسمانی خود را رها کرد و دور افکند، خداوند علم آن را از آنان گرفت و آن گاہ کہ دشمنان خود را بہ دوستی و سرپرستی گرفتند، خداوند آن دشمنان را بر ایشان ولایت و حکومت داد دور افکندن کتاب بہ این بود کہ حروف و کلمات آن را برپا داشتند و معانیش را تحریف کردند، کتاب را می خوانند و روایت می کنند؛ اما آن را رعایت نمی کنند و بہ کار نمی بندند نادانان از اینکہ آن را خوب می خوانند و حفظ می کنند، خوشحال و دانایان از اینکہ آن را رعایت نمی کنند و بہ کار نمی بندند، اندوہناکند»

از لحاظ لغت «مہجور» بہ معنای کسی است کہ با او قطع رابطہ شدہ است و چیزی کہ

۱. میزان الحکمة، محمد محمدی شہیری، ج ۱۰، ص ۴۸۲۴، ح ۱۶۵۱۶.

۲. فرقان / ۳۰.

۳. میزان الحکمة، ج ۱، ح ۱۶۵۲۳.

از آن اعراض و آن را رها کرلاه.^۱
در «مجمع البيان» ذیل آیه ۳۰ سورة مبارکه فرقان می نویسد: «وَالْمَعْنَى جَعَلُوهُ مَتْرُوكًا لَا يَسْمَعُونَهُ وَلَا يَتَفَهَّمُونَهُ»^۲ قرآن را ترك کردند، چنان که سخنش را نشنیدند و نفهمیدند»

وجوه مهجوریت قرآن

منظور از ترك مهجوریت قرآن، صرف تلاوت کردن آن نیست؛ بلکه حدیثی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است که فرمود «رُبَّ تَالِ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ لَعْنَةُ»^۳ ای بسا قرآن خوانی که قرآن لعنتش میکند» بلکه همانگونه که در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله آمده است، به هدایت و فهمیدن است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَيْسَ الْقُرْآنُ بِالتَّلَاوَةِ وَلَا الْعِلْمَ بِالرَّوَايَةِ وَلَكِنَّ الْقُرْآنَ بِالْهَدَى وَالْعِلْمَ بِالْإِدْرَايَةِ»^۴ قرآن نه به تلاوت است و نه به دانستن روایت آن؛ بلکه قرآن به هدایت و فهمیدن آن است.
در این مختصر به چند نمونه از وجوه مهجوریت قرآن کریم اشارت میکنیم:

مهجوریت مغز و محتوای قرآن

یکی از ابعاد مهم و اساسی مهجوریت قرآن کریم، جوهریت محتوای آن است که قرآن در قرائت و تلاوت محصور و جنبه درایت قرآن مهجور شده است و این در حالی است که روایات به اهمیت این جنبه تاکید میکنند رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید: «لَيْسَ الْقُرْآنُ بِالتَّلَاوَةِ وَلَا الْعِلْمَ بِالرَّوَايَةِ وَلَكِنَّ الْقُرْآنَ بِالْهَدَايَةِ وَالْعِلْمَ بِالْإِدْرَايَةِ»^۵ قرآن نه به تلاوت کردن است و نه به دانستن روایت آن؛ بلکه قرآن به هدایت است و به فهمیدن آن.
مهجوریت فرهنگ قرآن:

قرآن کتاب اجتماع است و فرهنگی که ارائه میکند فرهنگی است که روح برادری را در جامعه میپیمد. قرآن کریم میفرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۶ «همانا مؤمنین برادرند پس بین برادران اصلاح کنید و تقوا پیشه سازید شاید مورد رحمت قرار»^۷ گیرید اما فرهنگی که بر جوامع حاکم شده است فرهنگ ناسالم غرب است که فرهنگ تفرقه افکنی و بعد حیوانیت انسان است و فرهنگ ظلم و استعمار مستضعفان است.
قرآن کریم داعیهوار وحدت جامعه انسانی بر مبنای عبودیت پروردگار است «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا...»^۸ «بگو: ای اهل کتاب! بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است، پیروی کنیم و آن کلمه این است که به جز خدای یکتا را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم...»^۹

قرآن و مهجوریت قوانین الهی

قرآن کتاب سیاست و حاکمیت است؛ ولی متأسفانه دشمن توانسته تا حد بالایی سکولاریسم و جدایی دین از سیاست را ترویج دهد، به گونه‌ای که در مجامع محوریت در دست دین نیست؛ بلکه گاهی آمر به معروف و ناهی از منکر طردگویی قرآن کریم در این زمینه دو دسته آیات ارائه میدهد:

الف) حکومت دادن به ربانیان و خداپرستان:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»^{۱۰} «هر آینه ولی شما خدا و پیامبر خدا، و کسانی هستند که ایمان آورده و نماز را بر پا میدارند و در حال رکوع به نیازمندان زکات دهند»

ب) ساقط کردن حباران:

«وَ لَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا»^{۱۱} «و اهل قرنهای گذشته را به سبب

۱. المنجد، لويس معلوف، ترجمه محمد بندر ریگی، ج ۲، ص ۲۰۶.
۲. تفسیر مجمع البيان، طبرسی، ج ۸، ص ۷، ج ۷، ص ۲۲۰.
۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۲، ص ۱۸۴، ج ۱۹.
۴. میزان الحکمه، ج ۱، باب ۳۳۱، ج ۱۶۵۵۱.
۵. میزان الحکمه، ج ۱، باب ۳۳۱، ج ۱۶۵۵۱.
۶. حجرات / ۱۰.
۷. آل عمران / ۶۴.
۸. مائده / ۵۵.
۹. یونس / ۱۳.

ستمی که کردند، هلاک کردیم.»

عوامل مهجوریت قرآن کریم

در این مورد، بحث را در دو عامل بیرونی و درونی بررسی می‌کنیم؛

الف) عامل بیرونی:

در دوران رنسانس به دلیل عقل ستیز بودن غرب، برخی آهوارهای کتاب مقدس چون : تثلیث، مرکزیت زمین و. باعث جدایی دین از عقل گردید و نیز چون این قوانین و آهوار توان حاکمیت اجتماعی را نداشتند این نتیجه رسیدند که دین موضوعی فردی است که قابلیت پذیرش عقلی و اجتماعی ندارد و تنها جنبه احساس انسان را پاسخگو است و استفاده کردن از آن در صحنه اجتماع امپاکتور نیست بنابراین، توجهها به انسان و نیازهای مادی معطوف شد؛ از این رو تفکراومانيسم «رونق گرفت و دین به حاشیه رانده شد و بیش‌تر جنبه فردی گرفت و در زمان خاطریکشنیها» و نیز مکان خاص [کلیساها]. از آن پس مکاتب انسانی غرب اوج گرفت و محوریت خداوند از میان رفت این فرهنگ آلوده به دیگر مناطق جهان نیز سرایت کرد و تمدن صنعتی که در پی آن رفاه دنیوی بشر را تأمین می‌کرد و هدف آن رسیدن به آسایش دنیوی انسان بود، همراه با فرهنگ آن در سراسر جهان شیوع پیدا کرد و بشر را در راستای هدف خود با تبلیغات گسترده و استفاده از نقطه ضعفهای بشر چون شهوات نفسانی و حیوانی همراه کرد گونه‌ای که انسان امروز دغدغه‌ای جز رسیدن به همین رفاه کاذب دنیایی را ندارد و تمام توان خود را در این جهت کار می‌گیرد در نتیجه دین به حاشیه کشیده شد متأسفانه برخورد با قرآن کریم نیز از این واقعه مستثنا نبوده و اگر هم از قرآن سراغ گرفته می‌شود، استفاده‌ای غیر از آن بهره‌گیری مفید و ارزشمند قرآن می‌شود، یا برای ثواب، قرائت می‌شود، یا برای سفر یا سفره‌های عروسی و عقد یا شفای بیماران یا افتتاح خانه و کارخانه، یا هنرهای معماری مساجد و محرابها یا ختم انعامها و یا اسطوره‌های دیگر که غیر از هدف والای نزول قرآن کریم است

ب) عامل درونی

منظور، عامل درون دینی استما قوانین زندگی را از قرآن بیرون نکشیدیم و آن را به صورت کاربردی به مردم معرفی نکردیم تا کتاب زندگی شود کلاسهای قرآن بیشتر کلاس روخوانی، روانخوانی و تجوید است تا کلاس مفاهیم و تفسیر؛ از این رو قرآن و فراگیری آن بیش‌تر یک هنر برای کسب مقام در مسابقات است تا اینکه کتاب برنامه عمل باشد قرآن نیست؛ بلکه بشر امروز که تشنه آموزه‌های راهگشای آن است نتوانسته معارف لازم را از قرآن بیرون بکشد و استفاده لازم را ببرد دقت در آیات انسان را آرام می‌کند؛ ولی حسرت رسیدن به فضایل مندرج در آن پا برجا است، از جمله

«وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِعَهْدِهِمْ وَآمَانَاتِهِمْ رَاعُونَ»^۱ «کسانی

که از کارهای بیهوده روی می‌گردانند و کسانی که پیمانها و امانتها را پاس می‌دهند»

«أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ»^۲ «آنان در کارهای خوب شتاب

می‌ورزند و در این کارها بر دیگری پیشی می‌گیرند»

کافی است دل به قرآن سپرده شود حدیث است که : مردی نزد پیامبر صلی الله

علیه و آله آمد تا از ایشان قرآن فراگير وقتي به این گفته خداوند متعال رسيد «فَمَنْ يَعْمَلْ

مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» گفت: همین مقدار مرا بس است؛ و

در پی کار خود رفت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «انْصَرَفَ الرَّجُلُ وَ هُوَ فَقِيهٌ ؛ این

مرد بازگشت در حالی که به فهمی عمیق رسيد

راهکارهای برون رفت از مهجوریت قرآن

۱. ملزم بودن به تلاوت قرآن:

حداقل پنجاه آیه از قرآن در روز خوانده شود امام صادق علیه السلام فرمودند: «الْقُرْآنُ

عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَ أَنْ يَفْرَأَ مِنْهُ فِكُلِّ

۱. مؤمنون / ۳ و ۸.

۲. همان / ۶۱.

۳. الحیاء، محم رضا حکیمی و... ترجمه احمد آرام، باب ششم، ج ۲ ص ۲۰۴.

يَوْمَ خَمْسِينَ آيَةٍ^۱ قرآن عهد خداوند به سوي بندگان است؛ همانا سزاوار است که هر مرد مسلمان، هر روز به آن عهد نظر بپاندازد و از آن پنجاه آیه قرائت کند البته قرائت همراه با تدبیر، چنانچه امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: **«لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةٍ لَا فِقَهَ فِيهَا وَلَا فِي قِرَائَةٍ لَا تَدَبَّرُ فِيهَا»^۲** در عبادتی که همراه فهم نباشد و برای قرائتی که در آن تدبیر نباشد، خیری نیست.

۲. اخلاص در قرائت:

امام صادق علیه السلام فرمودند: **«قُرَأَ الْقُرْآنُ ثَلَاثَةَ رَجُلٍ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاتَّخَذَهُ بَضَاعَةً وَ اسْتَجَرَ بِهِ الْمُلُوكَ وَ اسْتَطَالَ بِهِ عَلَى النَّاسِ وَ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَحَفِظَ حُرُوفَهُ وَ صَبَّحَ خُدُودَهُ وَ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَضَعَ دَوَاءَ الْقُرْآنِ عَلَى قَلْبِهِ وَ اسْبَهَرَ بِهِ لَيْلَهُ وَ لَطَمَ ظَهْرَهُ وَ قَامَ فِي مَسَاجِدِهِ وَ تَجَافَى بِهِ عَنِ فِرَاشِهِ فَبَاوَلَتْكَ يَدُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الْبَلَاءُ وَ بَاوَلَتْكَ يَدُ اللَّهِ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ بَاوَلَتْكَ يَدُ اللَّهِ الْغَيْثَ مِنَ السَّمَاءِ وَ اللَّهُ لَهُوْلَاءُ فِي أَهْلِ الْقُرْآنِ أَعَزُّ مِنَ الْكَبْرِيتِ الْأَحْمَرِ»** قاریان قرآن سه گروهند: یکی آنان که قرائت قرآن را سرمایه معیشت خود نمودند، و به واسطه آن از ملوک حقوق میگیرند، و بر مردم تقدم می‌جویند. گروه دیگر، آنان که حفظ حروف و صورت قرآن کنند، و تضعیف حدود آن روا و اینرا پشت سر اندازند، چنانچه سوار قدح خودی را به پشت آویخته‌اند زیاد نکند این قسم حمله قرآن را طایفه دیگر آنان هستند که قرآن را قرائت نمایند و با دوائی قرآن دردهای قلب خود را علاج کنند، پس به واسطه آن شب را بیدار و به عبادت بگذرانند و رو بگیرند و به تشنگی گذرانند، و در مساجد حاضر شوند و اقامت کنند و از فراش خواب ناز برخیزند، پس خداوند عزیز جبار به واسطه اینها دفع بلیات فرماید و باران از آسمان فرو فرستد خدا قسم این گروه از قاریان قرآن از کبریت احمر کمیابند»

۳. تهذیب نفس و طهارت جسم:

طبیعت قرآن کریم پاک و مطهر است و به باطنی آن جز با طهارت جسم و جان نمی‌توان دست یافت خود قرآن کریم می‌فرماید: **«لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۳** «به قرآن دست پیدا نمی‌کنند مگر مطهران» مرحوم علامه طباطبایی رحمه الله این آیه را صفت برای آیه قبل؛ یعنی **«فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ»** می‌گیرند، به معنای محفوظ و مصون از تغییر که همان لوح محفوظ است، همانگونه که خداوند می‌فرماید: **«بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ»**

«لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛ یعنی **«لَا يَمَسُ الْكِتَابَ الْمَكْنُونُ الَّذِي فِيهِ الْقُرْآنُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»** کسی آگاهی ندارد از کتاب پنهانی که قرآن در آن است، مگر پاکان

«والمطهرون» - اسم مفعول من التطهيرهم الذين طهر الله تعالى نفوسهم من ارجاس المعاصي؛ **«مطهرون»** - اسم مفعول از تطهیر است آنان کسانی‌اند که خداوند قلبهایشان را از آلودگی معاصی پاک نموده است

در تفسیر «مجمع البیان» ذیل همین آیه می‌نویسد: **«وعندنا أنَّ الضمير يعود الي القرآن فلا يجوز لغير الطاهر مس كتابة القرآن نظر ما این است که ضمیر در «یمسه» به «قرآن» برمی‌گردد بنابراین، برای غیر طاهر مس کردن نوشته قرآن جایز نیست»**

۴. شناخت هدف نزول قرآن کریم:

امام خمینی قدس سره می‌فرماید: **«ما باید مقصود از تنزیل این کتاب را قطع نظر از جهات عقلی برهانی، که خود به ما مقصد را فهماند، از خود کتاب خدا اخذ کنیم. مصنف کتاب مقصد خود را بهتر می‌داند.. می‌بینیم خود می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^۴**

در يك سورة كوچك چندین بار می‌فرماید: **«وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ»**

۱. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۶۰۹ (باب فی قرائته، ح).
 ۲. چهل حدیث، امام خمینی قدس سره، حدیث ۲۹، فصل در فضیلت تلاوت قرآن، ۴۸۷.
 ۳. چهل حدیث، امام خمینی قدس سره، ص ۵۰۱.
 ۴. واقعه / ۷۹.
 ۵. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج ۹، ص ۱۴۲.
 ۶. همان.
 ۷. تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۱۰ - ۹، ص ۲۸۷.
 ۸. بقره / ۲.
 ۹. قمر / ۱۷.

می بینیم میفرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۱

و میفرماید: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ»، صاحب صاحب این کتاب سکاکی و شیخ نیست که مقصدش جهات بلاغت و فصاحت باشد؛ سیبویه و خلیل نیست تا منظورش جهات نحو و صرف باشد؛ مسعودی و ابن خلکان نیست تا در اطراف تاریخ عالم بحث کند، این کتاب چو عصای موسی و ید بیضای آن سرور، یا دم عیسی که احیاء اموات میکرد، نیست که فقط بی اعجاز و دلالت بر صدق نبی اکرهلی الله علیه و آله آمده باشد؛ بلکه این صحیفه الهیه کتاب احیاء قلوب به حیات ابدی علم و معارف الهیه است این کتاب خدا است و به شئون الهیه جل و علا دعوت میکند... و مردم باید برای تعلم شئون الهی به آن رجوع کنند تا استفادمان حاصل شود» و نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا^۲ چه خسارتی بالاتر از اینکه اینکه سی چهل سال کتاب الهی را قرائت کنیم و به تفاسیر رجوع کنیم و از مقاصد آن بازمانیم

«رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ»

۵. رفع موانع استفاده از قرآن کریم

منظور از موانع حجابهایی است که بین تلاوت کننده و خود قرآن کریم است که مواردی بیان میگرد:

(الف) خودبینی:

این حجاب بزرگی است که به واسطه آن، انسان خود را مستغنی میبند و نیازمند به استفاده نمیداند و این از شاهکارهای شیطان است که همیشه کمالات موهومه را بر انسان جلوه میدهد و انسان را به آنچه دارد راضی و قانع میکند، مثلاً اهل تجوید را به همان علم جزبی قانع میکند و آن را در نظر آنها جلوة فراوان میدهد و دیگر علوم را از نظر آنها میاندازد اهل ادبیات را به همان پوسته بعضی راضی میکند و تمام شئون قرآن را در همان که پیش آنها است، نمایش میدهد و اهل تفاسیر را به طور معمول به وجود قرائات و آراء مختلفه ارباب لغت و وقت نزول و شأنولنزو مدنی و مکی بودن و تعداد آیات و حروف و امثال این امور سرگرم میبازد

(ب) حجاب آراء فاسد و مذاهب باطله:

که گاهی از سوء استعداد خود شخص است و اغلب از تبعیت و تقلید پیدا. شود مثلاً تفکر اینکه در ذات خداوند تفکر ممنوع است، قیاس کنی به اینکه باب معرفت الله و مشاهده جمال پروردگار به کلی مسدود است و آراء باطل دیگر که به مجرد شنیدن از برخی نادانان در دل رسوخ پیدا میکنند، که اگر هزاران آیه و روایت مخالف آن آورده شود، یا به ظاهرش اکتفاء میشود و یا در آن دقت نظر نمیشود. این آراء بین ما و کتاب شریف، حجاب گردیده است

(ج) حجاب برخورد متحجرانه با مفاهیم قرآنی:

از جمله اعتقاد به اینکه جز آنچه مفسران نوشته کسی حق استفاده از قرآن را ندارد این حجاب ناشی از تفسیر غلطی است که تفکر و تدبر در آیات الهی را تفسیر به رأی میداند، در صورتی که استفاهای اخلاقی، ایلمی و عرفانی به هیچ وجه به تفسیر مربوط نیست تا اینکه تفسیر به رأی باشد و اینکه «دین الله لا یصاب العقول»^۳ و نیز «لیس شیء أبعد من عقول الرجال من تفسیر القرآن»^۴ شهادت نمیدهد بر اینکه مقصود «دین دین الله» احکام تعبیه قرآن و دین باشد که عقل در آنها راه ندارد

(د) حجاب معاصی و کدورات حاصله از طغیان:

قرآن کریم در این مورد میفرماید: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا

۱. نحل / ۴۴.

۲. ص / ۲۹.

۳. اسراء / ۸۲.

۴. اعراف / ۲۲.

۵. آداب الصلاة، امام خمینی قدس سره، ص ۹۴ و ۹۵.

۶. بحار الانوار، ج ۲، باب البدع و الرأي و المقائیس، ص ۳۵۳، ح ۴۱.

۷. همان، ج ۹۲، باب ۸، ص ۹۵، ح ۴۸.

وَلَهُمْ آدَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَهْلٌ

و این در حالتی است که قلب در سلطه شیطان واقع شود و قوای روح که چشم و گوش و قلباند در تسخیر او قرار گیرند

هـ) حجاب حب دنیا:

به واسطه حب دنیا قلب تمام هم و غمش را برای آن میگذارد و هر چه این محبت بیشتر گردد، این حجاب ضخیم میشود، تا جایی که قلب را قفل و چشم بصیرت را کور میکند؛ قرآن شریف میفرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا

و) منطبق کردن آیا با خود:

هر مسلمانی باید خود را با قرآن تطبیق دهد و نواقص خود را رفع نماید، چنانچه در قرآن میخوانیم: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»^۲ «این اوصاف سگانه را بنگرد؛ آیا وقت ذکر و یاد خدا قلبش ترسناک میشود؟ وقتی آیهی بر او تلاوت میشود نور ایمانش افزایش پیدا میکند؟ آیا اعتماد و توکلش فقط به خداوند است؟»

فهرست منابع

- قرآن کریم

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد **غرر الحکم و درر الکلم**، تصحیح: سید حسین شیخ الاسلامی، انتشارات انصاریان، قم، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ش.
۲. حکیمی و...، محمد رضا، **الحیة**، ترجمه احمد آرام، انتشارات دلیل ما، قم، چاپ هشتم، ۱۳۸۶ ش.
۳. ری شهری، محمد مهدی **میزان الحکمة**، ترجمه حمید رضا شیخی، دار الحدیث قم، ۱۳۷۹ ش.
۴. طباطبائی، سید محمد حسین (علامه طباطبائی رحمه الله)، **تفسیر المیزان**، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، سال ۱۴۱۱ ق.
۵. طبرسی، فضل بن حسن (شیخ طبرسی)، **تفسیر مجمع البیان**، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، بی تا.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق **اصول کافی**، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۷. لوئیس معلوف، **المنجد**، ترجمه: محمد بندر ریگی، انتشارات ایران، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۲ ش.
۸. مجلسی، محمد باقر **بحار الانوار**، اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش.
۹. موسوی خمینی قدس سره، سید روح الله، **آداب الصلاة**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. **چهل حدیث**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۶ ش.